

چالش‌های اخلاقی و حقوقی در شکل‌گیری دولت رانت‌خوار

^۱ علی زنگنه

^۲ محمد صادقی

^۳ احمد رنجبر

چکیده

وجود ابعاد مختلف فساد در عرصه‌های مختلف حکمرانی در هر جامعه‌ای امری غیرقابل چشم‌پوشی است که دولت‌ها درصدد جلوگیری از شیوع آن هستند. یکی از جلوه‌های مهم و شاخص فساد در جوامع سیاسی مخصوصاً در جوامعی که توسعه نیافته و یا در حال توسعه‌اند، مفهوم «رانت و رانت‌خواری» است. رانت‌خواری هر روز به شکل گسترده و متنوعی خود را نمایان می‌سازد. افرادی که به چنین رفتار و کنشی روی می‌آورند قربانی شرایطی هستند که در آن تجربه زیسته دارند و گرفتار تله اجتماعی گشته‌اند. مهمترین عواملی که می‌تواند زمینه‌ساز رفتارهای آمیخته با فساد تلقی می‌شود عبارتند از: تنگناهای اقتصادی، کم‌رنگ شدن ارزشهای انسانی، تشدید قوانین و مقررات غیر ضروری و گسترش روحیه زیاده‌خواهی انسانها که باعث می‌شود دیگران را به بازی داخل کند. در نظام حقوقی ما، با توجه به ابتدای قواعد حقوقی بر شرع اسلامی، بسیار ضرورت دارد که ماهیت رانت‌خواری در فقه نیز بررسی شود. رانت‌خواری عملی که عموماً همراه با تبعیض قائل شدن و کسب منافع نامشروع است، و به مثابه ویروسی کشنده در شئون مختلف جامعه منتشر و تکثیر می‌شود و نقش بسیار مهمی در مخدوش نمودن عدالت و گسترش چشمگیر انواع فساد دارد. در منابع فقهی طبعاً به اصطلاح رانت‌خواری به این معنا اشاره ای نشده است، بلکه تحت عناوین کلی نظیر لزوم عدالت و نفی تبعیض، حرمت اکل مال بباطل و تصرف غیرمشروع در بیت‌المال، و عناوین جزئی نظیر احتکار و رشوه، مالک‌ها و مصادیقی مطرح گردیده که می‌توان ماهیت رانت‌خواری و شرایط حرمت آن را در مبانی و منابع فقهی روشن نمود. در تحقیق حاضر به مانند اکثر تحقیقات حوزه علوم انسانی تحلیلی-توصیفی با ابزار کتابخانه‌ای می‌باشد که با هدف شناختن پدیده رانت‌خواری و تعارض شاخص‌های اخلاقی آن که نموده‌های آن در کشور هم در بخش خصوصی و هم در بخش دولتی قابل مشاهده است، استفاده شده است.

واژگان کلیدی

دولت، دولت‌خوار، رانت‌خواری، رانت، اخلاق.

۱. دانشجوی دکتری، حقوق عمومی، گروه حقوق، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران.

Email: Zanganeh177@gmail.com

۲. دانشیار، گروه حقوق، دانشگاه هرمزگان، هرمزگان، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Mrs4272@yahoo.com

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران.

Email: Ranjbar_ahd@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۸

طرح مسأله

یکی از مهمترین دغدغه‌های اندیشمندان سیاسی و اجتماعی در طی قرن‌ها، عوامل تعیین‌کننده ثبات سیاسی بوده است. به طور سنتی، این بحث بر پویایی‌های اقتصاد کلان و متغیرهای آن (تولید ناخالص داخلی، درآمد، انباشت سرمایه و اشتغال) متمرکز بوده است؛ در حالی که امروزه، این بحث علاوه بر مفاهیم اقتصادی، شاخه‌ای اجتماعی و سیاسی را نیز در بر می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، یک جامعه زمانی کاملاً توسعه یافته و با ثبات تلقی می‌شود که در کنار توسعه اقتصادی، در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی نیز توسعه یافته و این امکان را برای شهروندان فراهم کند تا به شکلی هماهنگ تحول پیدا کنند. دولتهای رانتیر با استفاده از درآمدهای حاصل از وفور منابع طبیعی می‌توانند بر چالش‌هایی نظیر رشد پایین اقتصادی، فقر و عدم پاسخگویی، فساد و نبود حاکمیت قانون غلبه کرده و ثبات سیاسی خود را تضمین کنند. از طرفی حکمرانی خوب عاملی مهمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها به شمار رفته و ترویج آن باعث ایجاد جوامع بازتر و دموکراتیک نیز می‌شود.

رانتخواری به ذات به عنوان مفسده‌ای اخلاقی محل بحث و مناقشه است، لیکن بازخوانی مفهومی و پیامدشناختی این پدیده، آن را به مثابه عملی غیر اخلاقی که دیگر سازه‌های اخلاق را نیز در جامعه متأثر می‌سازد، نمایان می‌کند. در زمان حاضر، رانتخواری، با مفهومی گسترده علاوه بر عرصه اقتصادی، در حیطه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی سایه افکنده است و معنای آن، دریافت منافع مالی و غیر مالی نامشروع با بهره‌گیری از زمینه‌ها و عوامل رانتی نظیر تصویب قانون، اعطای مجوز، ایجاد انحصار و دسترسی به اطلاعات است که به بهای نقض شایسته سالاری و اعمال تبعیض و اضرار به دیگران ارتکاب می‌یابد.

مداقه اخلاقی و جرم‌شناختی در بازتاب‌های پدیده رانتخواری در جامعه، مبین این واقعیت است که گسترش رانتجویی و رانتخواری، به خصوص از مجاری افزایش تبعیض و بی‌عدالتی، اضرار به دیگران، فقر و بیکاری، نهادینه‌سازی فساد رفتاری، تضعیف اخلاق عمومی، تعمیق شکاف طبقاتی، دو قطبی شدن اجتماع، پیامدهای سوء اقتصادی، سیاسی و فرهنگی عیدیه‌ای را برای اجتماع در پی خواهد داشت. در خصوص موضوع مورد بررسی در این مقاله، هرچند تاکنون پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است که به عنوان نمونه می‌توان به خضری و رنایی (۱۳۸۳)، کارشناس و حکیمیان (۱۳۸۴)، پسران و دیگران (۱۳۹۱)، شقاقی و دیگران (۱۳۹۴)، میرترابی و دیگران (۱۳۹۵)، گرگین اکبر آبادی و دیگران (۱۴۰۰) اشاره کرد، لکن در هیچکدام از پژوهش‌های نامبرده، چالش‌های اخلاقی و حقوق در شکل‌گیری دولت رانت‌خوار به تفصیل مورد توجه قرار نگرفته است. از این رو می‌توان گفت نوآوری مقاله حاضر در آن است که چالش‌های حقوقی

و اخلاقی در شکل‌گیری دولت رانت‌خوار را مورد بررسی قرار می‌دهد و با توجه به اهمیت موضوع در این مقاله موضوعاتی همچون مفهوم رانت دولت رانتیر، انواع رانت، رانت خواری و ... می‌پردازیم.

۱- مفهوم رانت^۱

رانت از حیث لغوی به معنای اجاره و اجاره بها و بهره مالکانه ای که شخص از کرایه زمین، خانه و... کسب می‌کند، می‌باشد. در فرهنگ فارسی معین (۱۳۶۳)، این لغت به درآمدی که از فرصتها و موقعیتهای برتر به دست آمده باشد، و به ثروت حاصل از کار غیرتولیدی و بادآورده، معنا شده است. اگرچه معنای لغوی رانت در علم اقتصاد شکل گرفته، لیکن «مفهوم اقتصادی آن بسیار گسترده تر از تعریف لغوی آن است.» این اصطلاح در اقتصاد سیاسی به مفهوم رانت اقتصادی، تحصیل دار، توزیعی، تخصیصی و بهره بردار آمده است.

رانت در علم اقتصاد به اجاره زمین و اجاره بها گفته می‌شود و به‌طور کلی هرگونه درآمدی که حاصل کار و تلاش تولیدی نباشد تحت عنوان رانت نام‌گذاری می‌شود. (طیبیان، ۱۳۷۱، ص ۳) در اقتصاد سیاسی، رانت به درآمدهایی گفته می‌شود که از منابع خارجی (فروش مواد خام، منابع زیرزمینی) به تملک دولت درمی‌آید و از یک فعالیت مولد اقتصاد داخلی به دست نمی‌آید مثل درآمدهای نفتی. (شکاری، ۱۳۷۹، ص ۳۴)

۲- دولت رانتیر^۲

گاهی صفت رانتی را به یک دولت و یا اقتصاد یک کشور منتسب می‌کنند. ببالوی و لوسیانی در کتابی با عنوان دولت رانتیر، این دولت را این‌گونه معرفی کرده‌اند: «هر دولتی که بیش از ۴۲ درصد از کل درآمد خود را از طریق صدور یک ماده خام به دست آورد، دولت رانتیر می‌باشد. رانتیر طبق تعریف به معنای وابستگی به درآمد رانتی حاصل از مالکیت بر منابع طبیعی یا عواید حاصل از آن می‌باشد. دولت رانتیر در واقع یک تعبیر در علوم سیاسی و نظریه روابط بین‌الملل است و در مورد دولتهایی به کار می‌رود که بخش اعظم درآمدهایشان، وابسته به رانت و عواید منابع برون‌زا و عمدتاً منابع طبیعی مانند نفت و گاز می‌باشد. (درویش نوری کالکی، وزیر، یارم طاق‌لوسهرابی، ۱۳۹۵، ص ۶)

1- Rent

2- Rentier government

۳- انواع رانت

رانتها را با توجه به منشأ ایجادکننده آنها می‌توان به گروه‌های مختلفی مانند رانت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و اطلاعاتی تقسیم نمود.

رانت اقتصادی: نخستین کسی که پیرامون رانت اقتصادی مطالبی ارائه نمود، دیوید ریکاردو بود که ضمن تحلیل اقتصادی خود به نوعی بی‌عدالتی در میزان سود برای تولید کنندگان محصولات کشاورزی پی برد و سود غیر عادلانه‌ای را که نصیب برخی از آنها می‌شد را رانت نامید، اما به طور کلی رانت‌های اقتصادی ناشی از برخی عوامل اقتصادی مانند منابع طبیعی، محدودیت‌های بازرگانی، سیاست‌های حمایتی، کنترل قیمت‌ها، چندگانگی نرخ ارز، تخصیص سهمیه‌های ارزی و نحوه توزیع بودجه و اعتبارات دولتی است. (فضلی نژاد، احمدیان، ۱۳۸۹، ص ۱۳۲)

رانت سیاسی: شکل‌گیری رانت سیاسی یکی از پیامدهای فساد سیاسی در هر جامعه است و هرگاه دولت و احزاب قدرتمند سیاسی که توزیع و تصمیم‌گیری در خصوص منابع ثروت و قدرت را در اختیار دارند در انجام این کار بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه تبعیض قابل شونند و در واقع اراده متنفذان سیاسی به آن باشد که با خارج کردن رقبا از میدان امتیازی را به یک فرد یا گروه خاص بدهند یک رانت سیاسی برای آن فرد یا گروه خاص شکل می‌گیرد.

رانت اجتماعی: برخورداری از برخی امتیازات ویژه که خارج از صلاحیتهای فردی و شایستگی‌های ذاتی برخی افراد نصیب آنها می‌شود، رانت اجتماعی محسوب می‌گردد. رانت اجتماعی حاکی از برخورداری افراد یا گروه‌های فاقد صلاحیت از امتیازات اجتماعی است که استحقاق آن را ندارند و منجر به انباشت ثروت نزد عده‌ای معدود از افراد جامعه می‌شوند. برخورداری از رانت اجتماعی به اشکال مختلف صورت می‌گیرد. گاهی افراد با استفاده از موقعیت شغلی خود از فرصت‌هایی برخوردار می‌شوند، گاهی روابط خویشاوندی یا قرار گرفتن در یک تشکل یا گروه خاص و یا گاهی اعمال نفوذ سیاسی در تصویب برخی قوانین که شمول عام دارند باعث می‌شود برای عده‌ای رانت‌های اجتماعی پدید آید مانند احداث جاده، کارخانه، سد و موارد دیگر که منجر به افزایش قیمت زمین عده‌ای می‌شود.

رانت اطلاعاتی: دستیابی زود هنگام و انحصاری به اطلاعات اقتصادی در زمینه سیاست‌های بازرگانی، پولی، ارزی، بازار سهام، امور مالی و طرح‌های عمرانی منشأ یکی از مهمترین انواع رانت به نام رانت اطلاعاتی است. به این ترتیب که عده‌ای از افراد با به دست آوردن زودرس اطلاعات مختلف در زمینه تغییرات قریب الوقوع در قوانین و مقررات، سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های جدید، اصلاحات در محدوده‌ها و نقشه‌های جامع شهری از این اطلاعات در جهت منافع شخصی خود استفاده می‌کنند که به ثروت‌های هنگفتی دست می‌یابند. این دستیابی زیرکانه به اطلاعات صحیح خود موجب شکل‌گیری رقابت ناسالم اقتصادی در بازار سرمایه

می‌شود. (بی‌نا، ۱۳۸۲، ص ۲۸۶-۳۴)

۴- رانت‌خواری

رانت‌خواری را می‌توان، کسب و دریافت منافع و سودهای مالی و حتی غیرمالی، بدون تلاش، استحقاق و داشتن پشتوانه تولیدی، دانست که از طریق رابطه بازی، رشوه، ایجاد انحصار، تصویب قوانین حمایتی و اجرای سیاست‌های تبعیض آمیز، حاصل می‌شود. بنابراین، اگرچه معمولاً گفته شده است، «رانت‌خوارها با استفاده از نفوذ سیاسی و اقتصادی شان یا از طریق آشنایانی که صاحب این نفوذ هستند به صورت غیرقانونی به منابع مالی دست پیدا می‌کنند و به کسب ثروت می‌پردازند. اما دایره رانت‌خواری را امروزه دیگر نمی‌توان تنها در کسب ثروت مالی محدود کرد بلکه هر امتیازی اعم از مناصب سیاسی، اجتماعی، علمی، آموزشی، حمایت‌های قضایی و ... در این حیطه می‌گنجد. مسئله دیگر این است که «رانت» مفهومی دو پهلو است که می‌تواند جنبه مثبت و منفی داشته باشد اما سوءاستفاده از رانت چنان فراگیر شده است که معمولاً با شنیدن این لفظ مفهوم منفی آن به ذهن متبادر می‌شود؛ یعنی رانت به معنای امتیاز و یا تزریق مالی، ممکن است برای اهداف و مصالح مهمی به افراد یا گروهی خاص تخصیص داده شود، که در این مورد نباید آن را از مصادیق فساد دانست. (درویش نوری کالکی، وزیری، یارم طاقلوسهرابی، ۱۳۹۵، ص ۶)

۵- رابطه رانت‌خواری و رشوه

رشوه در لغت به معنای آن چیزی است که به حاکم یا غیرحاکم داده می‌شود تا به نفع او حکم کند یا حاجت او را برآورده سازد. (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۸۴) برخی دیگر از لغویان، رشوه را مطلقاً وسیله رسیدن به حاجت دانسته‌اند که با تبانی ایجاد می‌شود. (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۶۶) رشوه از نظر مشهور فقها عبارت است از مالی که شخص پرداخت می‌کند تا به نفع او حکم شود. (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۲، ص ۴۸)

ماهیت رانت از دو رکن اصلی رانت‌خوار و رانت‌ساز تشکیل شده است. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، رانت‌خوار شخصی است که از رانت استفاده می‌کند و به درآمد غیر مولدی می‌رسد که بدون رقابت با دیگران به دست آمده است. رانت‌ساز هم کسی است که شرایط استفاده از رانت را برای رانت‌خوار فراهم می‌آورد؛ مانند کسی که دیگری را بدون داشتن شرایط لازم بر اساس رابطه‌ای غیر مستحقانه به سمتی دولتی منتسب می‌کند یا یک سری اطلاعات علنی نشده را در اختیار وی قرار می‌دهد. برای اثبات حکم فعلی که هر یک از این افراد مرتکب شده‌اند به برخی منابع فقهی استناد می‌شود.

رابطه‌ی غیرمستحقانه‌ای که سبب استفاده‌ی اشخاص از رانت می‌شود، متعدد است. ممکن

است برخی از این روابط به دلیل نسبت فامیلی، نسبت حزبی، سیاسی و... باشد. یکی از روابط غیر مستحقانه‌ای که ممکن است منجر به استفاده‌ی شخص از رانت شود، رابطه بر اساس رشوه است. در این صورت راشی که به دنبال استفاده از رانت است برای نیل به مقصود از رشوه دادن به مرتشی یا همان رانت ساز استفاده می‌کند تا با مساعدت او بتواند از امتیازات ویژه و انحصاری بهره‌مند شود. در اینجا رانت خوار همان راشی و رانت ساز همان مرتشی است. بنابراین حکمی که، برای راشی و مرتشی صادق است منطبق بر این دو عنوان نیز خواهد بود. (شیخ الاسلامی، قبولی درافشان، فحعلی، ۱۴۰۲، ص ۱۰۳)

۶- زمینه‌های شکل‌گیری دولت رانت خوار در ایران

رضاشاه نخستین کسی بود که سهم درآمدهای نفتی را درآمدهای دولت افزایش داد و آنرا در اجرای طرح‌های توسعه و نوسازی کشور به کارگرفت^۱ ولی تا زمان به قدرت رسیدن رضاشاه به دلیل فقدان قدرت مرکزی درصدی از درآمدهای نفتی به عنوان حق محافظت از تأسیسات نفتی به عشایر و ایالات پرداخت می‌شد، اما با سرکوب عشایر توسط رضاشاه، این درآمدها دوباره به دولت بازگشت. (طوسی، ۱۳۶۳، ص ۱۵-۷) با این حال درآمد نفتی دولت در عصر قاجار و پهلوی اول به حدی نبود که مهم‌ترین منبع درآمد دولت تلقی گردد اما بعد از کودتای ۲۸ مرداد و آغاز فعالیت کنسرسیوم، درآمد نفتی ایران سیر ثابت و روبه رشدی داشت به نحوی که در سال‌های پایانی دهه ۱۳۳۰ و ابتدای دهه ۱۳۴۰ درآمد نفتی منبع اصلی درآمد دولت تلقی می‌شد که در پی آن دولت رانتیر در ایران شکل گرفت. با کودتای ۲۸ مرداد و پس از آن ورود کنسرسیوم به صنعت نفت ایران، عملاً بسیاری از اهداف نهضت ملی شدن صنعت نفت از بین رفت. اما تولید و عرضه نفت ایران به کنسرسیومی واگذار شد که ۵۰ درصد از خالص دریافتی‌های خود را به دولت ایران می‌پرداخت. این عامل و رشد تقاضاهای بین‌المللی برای خرید آن سبب تثبیت درآمدهای ملی نفت ایران شد که از آن به بعد حکومت به فکر بهره‌برداری از آن برای توسعه کشور افتاد و برنامه‌هایی را برای توسعه کشور تدوین کرد. نخستین برنامه در سال ۱۳۲۸ (برنامه اول) بود که به دلیل قطع درآمدهای نفتی در سال‌های نهضت ملی ناکام ماند اما با بازگشت این درآمدها دومین برنامه این نهاد برای اجرای در سال‌های (۱۳۴۱-۱۳۳۴) ارائه شد که ۶۴/۵ درصد از منابع اجرای آن، سهم درآمدهای نفتی بود. (مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی (۱۳۷۶).) بنابراین سال ۱۹۵۷، سال تبدیل ایران به یک دولت رانتیر است و از این زمان به بعد نفت، علاوه بر اینکه همواره سهمی بیش از ۴۰ درصد در درآمدهای دولت ایران داشته به عنوان یک متغیر مستقل،

1- Keddie, D. Nikki (1989), "Oil Economic Policy and Social Conflict in Afshar, Haleb Iran: A Revolution in Tarmoil", London: Macmillan Press, PP 16-4.

نظام اقتصادی و سیاسی ایران را تحت تأثیر قرار داده است. (شکاری، ۱۳۷۹، ص ۳۲) حسین مهدوی با ارزیابی درآمد نفت ایران در همین دوره نظریه دولت رانتیر را ارائه داده و ایران را مصداق بارز آن معرفی کرده و چنین آورده که سهم درآمدهای نفتی دولت از ۱۱ درصد در سال ۱۹۵۴ (تقریباً ۱۳۳۳) به ۵۰ درصد در سال ۱۹۶۵ (تقریباً ۱۳۴۴) افزایش یافته است. طی سال‌های دهه ۱۳۵۰ تا انقلاب اسلامی هیچگاه وابستگی دولت به درآمدهای نفتی زیر ۵۴ درصد نبود. البته در سال‌های ۱۳۵۷ به دلیل اعتصاب کارکنان صنعت نفت، تولید نفت نیز کاهش یافت و درآمد نفتی به ۱۵ میلیارد دلار کاهش یافت. نگاه کلی به میزان درآمدهای نفتی دولت در سال (۱۳۵۷-۱۳۳۲) نشان می‌دهد که تقریباً از سال ۱۳۳۲، این درآمد بیش از ۴۰ درصد منابع درآمدی دولت را تامین کرده است. اگر قائل به تعریف بیلادی در خصوص میزان لازم درآمد رانتی برای ساخت دولت رانتی را پذیرا باشیم (۴۲ درصد درآمد دولت) باید گفت از سال ۱۳۳۹ ساخت دولت در ایران رانتیر بوده است.

اما رانت خواری و عدم شفافیت اقتصادی در ایران در سی سال گذشته و در جمهوری اسلامی از ناشفاف‌ترین وضعیت در سطح جهان بر خوردار بوده است. بنا به گزارش مرکز بین‌المللی شفافیت اقتصادی^۲ در سال ۲۰۱۳ از بین ۱۷۷ کشور به لحاظ شفافیت و فساد سیاسی و اقتصادی و اطلاع‌رسانی در مورد آن، مقام ۱۴۴ از نظر فساد اقتصادی و اداری را به خود اختصاص داد. اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی در ایران از نمونه‌های شناخته شده رانت خواری در ایران است. مرکز مطالعات لیبرالیسم نیز در گزارش‌های هفتگی خود در راستای شفافیت برای اقتصاد ایران به بررسی رانت در ایران می‌پردازد.

۷- پیژواک پدیده رانت‌خواری در شؤون اخلاقی و حقوقی

رانت‌خواری، با افزایش و تداوم خود، تبعات معتناهایی بر متغیرهای مختلف زندگی اجتماعی افراد و جامعه آنان، در حوزه‌های گوناگون در پی دارد. این تبعات و آثار ممکن است به موازات هم آشکار شوند یا اینکه نسبت به یکدیگر نقش علی و معلولی ایفا نمایند. در این مختصر مجال شکافتن و پرداختن به تمامی این پیامدها نیست، لذا به ذکر و بررسی موارد مهم، بسنده می‌کنیم.

۷-۱- نقض اصل تساوی افراد جامعه در برابر قانون

تساوی افراد در مقابل قانون یا برخورداری از حقوق مساوی، یک اصل حقوق بشری است که به عنوان قاعده ای متعالی، در نخستین ماده اعلامیه جهانی حقوق بشر و در اسناد مختلف

1- Mahdavy, H, (1970), The Pattern and Problems of Economic development in Rentier States: the Case of Iran, in M. A. Cook (ed.), Studies in Economic History of the Middle East. London: Oxford University Press.

2- Transparency International

بین‌المللی و داخلی کشورهای جهان انعکاس یافته است. مهم‌ترین تبلور این اصل در حقوق ایران، ذیل فصل سوم قانون اساسی (حقوق ملت) و در اصل بیستم است. فساد، پاشنه آشیل تساوی مردم در برابر قانون تلقی می‌شود و تأثیر و تأثر این دو بر یکدیگر به نحوی است که هر چه سطح یکی از آنها بالا رود (میزان فساد - میزان تساوی افراد در برابر قانون)، از سطح دیگری، فرو می‌کاهد. فساد عملاً به برابری حقوق افراد لطمه می‌زند و جریان دریافت خدمات را ناهمگون می‌کند. خدمات مختلفی که در عرصه‌های گوناگون رفاهی، تجاری، شغلی، آموزشی، پزشکی، بهزیستی و... نمود دارد. برخی اذعان می‌دارند که تشدید نابرابری‌های اجتماعی در ایران پس از جنگ، بازتاب گسترش فسادهای اداری و سیاسی، به نظر می‌رسد.^۱ رانت‌دهی و رانت‌خواری، یک فرایند تبعیض‌آمیز است و این مهم‌ترین مشخصه آن است، حتی اگر بخواهیم قائل به معنای دو پهلوی خوب و بد برای تبعیض شویم (عبارت بند ۹ اصل سوم قانون اساسی)، پس قدر متیقن می‌توان گفت که تبعیض ناروا، مؤلفه اصلی رانت‌خواری مفسدانه است.

۷-۲- تقویت روحیه بدبینی و نفاق و گسست انسجام اجتماعی

در جامعه‌ای که عده‌ای به ناحق و بدون برخورداری از شایستگی و صلاحیت و یا حمایت مردمی و صرفاً بر اساس معیارهای خانوادگی، قومی، جناحی و حکومتی بر اریکه قدرت تکیه زده و حاضرند برای حفظ قدرت خویش، به هر اقدام نامشروعی مبادرت ورزند، نباید و نمی‌توان انتظار داشت که روابط اجتماعی انسانها در آن جامعه سالم و بهنجار باشد. تقویت روحیه بدبینی مردم نسبت به هیأت حاکمه، بدبینی مردم نسبت به یکدیگر و تضعیف وحدت و انسجام ملی، حاکمیت روحیه ظاهرگرایی و نفاق بین مردم، احساس تبعیض و آپارتاید سیاسی در جامعه توسط مردم، تشدید شکاف طبقاتی در جامعه به دلیل ترویج رانت اقتصادی، بی‌اعتمادی مردم به قانون اساسی و مجاری و راهکاری‌های قانونی برای رسیدن به اهداف خویش، ترویج روحیه خشونت و حذف رقیب به جای تساهل و تسامح در سطح جامعه، از پیامدهای خطرناک گسترش و پیرو سوار رانت‌خواری در کشور است.^۲

گسترش رانت‌خواری علاوه بر تقابل بدبینانه توده مردم و دستگاه‌های دولتی، در روابط میان مردم نیز ایجاد تنش می‌کند و بالاخص باعث تفرقه و جدایی میان طبقات و گروه‌های اجتماعی غیر همسود می‌شود. در چنین بستر نامساعدی، قهراً روابط اجتماعی و از جمله مراودات تجاری و فعالیت‌های اقتصادی، با آفات اخلاقی چون بدبینی، دروغ و حيله‌گری گره می‌خورد و حقوق

1- Rafiepour F. Development and Conflict. Second Edition. Tehran: Shahid Beheshti University Press; 1994. p.170. [Persian],p170.

2- Darvishi F. Islamic Revolution and Political Rent. Social Sciences Quarterly. 2009; 3(42-43): 327-362. [Persian]

افشار ضعیف‌تر قربانی حس عدم اعتماد و بدبینی منتشر در جامعه می‌شود، ضمن اینکه در سطح کلان، نوعی از شکاف اجتماعی میان طبقات مختلف جامعه هویدا می‌گردد؛ فاصله‌ای که اغنیا با تسهیل و تداوم فساد جاری، سعی در حفظ آن خواهند داشت. با ادامه این وضعیت، نتیجتاً با جامعه‌ای رو به رو می‌شویم که رفته‌رفته، شهروندان آن با نگاهی جزیره‌ای و محدود، به جای حرکتی هم‌افزا به سمت پیشرفت و توسعه، تلاش خود را به پیش‌روی از طریق حذف رقبا، معطوف می‌دارند.

۷-۳- افول حقوق شهروندی

تأمین حقوق شهروندی با کرامت بشری و احترام و پاسداشت به افراد جامعه ملازمه دارد. ابعاد حقوق شهروندی در عناوینی چون ارزشمندی، امنیت، برابری، عدالت و تساوی در بهره‌مندی از حقوق اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... متبلور شده‌اند. در این طرز تلقی برای رسیدن به نظام عدالت و انصاف تنها شاخص ممیزه در توزیع حقوق و مسؤولیت‌های متفاوت در یک جامعه انسانی، همان ضابطه عدل خواهد بود و هرگونه بهره‌وری یا حرمانی، وفق این ضابطه و متباعد از ضوابط رانتهی میسر خواهد شد.

توسعه رانت‌جویی، انقباض و افول حقوق شهروندی را در پی خواهد داشت و ابعاد حقوق شهروندی که قلمروی گسترده و مصادیق متعددی از حقوق را در بر می‌گیرد، هر یک به طور نسبی، مستقیماً یا با واسطه، از فضای رانتهی اثرات نامطلوبی را متحمل می‌شوند. رانت‌خواران نه تنها با ثروت اندوزی و امتیاز طلبی و ایجاد حرمان برای سایر مردم، حقوق شهروندی آنان را در زمینه‌های مختلفی چون حق سلامت، امنیت، رفاه، آموزش، بهداشت، اشتغال و به طور کلی یک زندگی شایسته و رو به کمال نقض می‌کنند، بلکه با تلاش جهت ایجاد وقفه یا خدشه در جریان آزاد اندیشی، دسترسی به اطلاعات و فعالیت مستقل مطبوعات و رسانه‌ها، حاشیه امنیت مناسبی برای تداوم فساد به وجود می‌آورند. (گرگین اکبرآبادی، نجفی توانا، ناجی زواره، شامبیاتی، ۱۴۰۰، ص ۴)

۷-۴- تضعیف اخلاق عمومی و فروپاشی نظام ارزش‌ها

ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی، اعم از اعتقادات مذهبی و گرایش‌های مثبت رفتاری که در مناسبات خانوادگی و اجتماعی، تظاهر ملموسی می‌یابد و نقشی چشم‌گیر در همگرایی، پیشرفت و حرکت رو به کمال جامعه و افراد آن، ایفا می‌نماید، در نتیجه تبعیض‌ها و سلب اعتماد عمومی و تحت تأثیر ویروس فساد، رو به زوال می‌گذارد. بر این اساس، جرائم و مفاسد اقتصادی، به ویژه با

آسیب‌زدن به احکام اسلامی و زوال اخلاق فردی و اجتماعی^۱، ارزشهای موجود در جامعه را مورد حمله قرار می‌دهد، کما اینکه در سطوحی دیگر، ارزشهای دموکراسی و اخلاقیات را مخدوش می‌سازد.^۲

شهید مرتضی مطهری، یکی از شرایط ضروری تأمین اهداف اسلام را داشتن اقتصاد سالم می‌داند.^۳ بنابراین رانت‌خواری از طریق ضربه‌هایی که به اقتصاد کشور وارد می‌کند نیز می‌تواند ارزشهای دینی و اخلاقی را کمرنگ کند، گو اینکه در حدیث نبوی است که «کادالفقر آن یکون کفراً»؛ «نزدیک است فقر به کفر بیانجامد.»^۴ بدترین منظره‌ای که فروپاشی ارزشها از منظر جرم شناختی، به نمایش می‌گذارد، افزایش جرم و جنایت به دنبال کاهش اعتقادات مذهبی و اخلاقی و در نتیجه انفعال نیروی بازدارنده درونی افراد است.

۷-۵- شکست تولید و فروگاهی کارایی، نوآوری و بهره‌وری

تجربه دولت‌های رانتیر - که خود از زمینه‌های مستعد رانت‌خواهی در جامعه هستند - حاکی از این است که این‌گونه دولت‌ها عموماً برای پاسخگویی به نیازهای فزاینده جامعه، ساده‌ترین و راحت‌ترین کار را در پیش می‌گیرند، یعنی به واردات گسترده مواد و کالاهای مورد نیاز متوسل می‌شوند. این در حالی است که حضور گسترده کالاهای وارداتی در بازار داخلی به تولیدکنندگان داخلی ضربه می‌زند و علاوه بر آن روحیه مصرف‌گرایی را در جامعه دامن می‌زند و این موضوع همان چیزی است که در کتب مختلف تحت عنوان حاکم‌شدن نوعی روحیه رانتی مطرح می‌شود.^۵

این روحیه رانت‌جویی باعث می‌شود که استعدادهای کارآفرینی به دنبال رانت‌های بادآورده وارده به خزانه دولت و به سمت رانت‌جویی غیر مولد، منحرف شوند؛ این امر می‌تواند منجر به کاهش آهنگ رشد اقتصادی شود، خاصه از این حیث که استعدادهای بالقوه می‌توانست در

1- Mohaghegh MJ. Study of Economic Corruption from the Perspective of Islam. Proceedings of the Conference on Promoting Administrative Health. Coordination Council of Supervisory Bodies. Tehran: Zaman Now Publications; 2010. p.11. [Persian]

2 - Afzali A. Corruption and its impact on development: Causes, consequences and solutions. International Law Journal. 2011; 28(45): 235-264. [Persian]

3- Motahari M. A Theory of the Islamic Economic System. 1st ed. Tehran: Sadra Publications; 1989. p.21. [Persian]

4- Koleini MIY. Al-Kaafi. 1st ed. Qom: Dar al-Hadith; 2008. Vol.2.

5- Fazlinejad S, Ahmadian M. Rent Economy in Iran and ways to get out of it. Economic Journal-Review of Economic Issues and Policies. 2010; 10(11-12): 129-158.

خدمت کارآفرینی و تولید ثروت قرار گیرد^۱. رانت جویی و ابزار آن، که شامل فساد اداری، رشوه خواری و لابی‌گری است، علل افزایش هزینه‌ها، اتلاف فرصت‌ها و هدایت منافع به سمت شرکت‌های بزرگ است که تمامی این عوامل می‌توانند جریان کارآفرینی را در یک کشور تحت تأثیر قرار دهند.^۲ تکیه بر منابع رانتهی و عدم توجه کافی به شایسته‌سالاری و تداوم تبعیض و رابطه‌گرایی، بستر ساز تقلیل کیفیت نیروی انسانی و کاهش کارایی و بهره‌وری در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و علمی خواهد بود. گذشته از این، تداوم سیاست‌های رانتهی، سائق برای سرخوردگی نیروهای کیفی و انزوا و فرار مغزها است.

۸- تکثر و توسعه جرائم جانبی از طریق کارکرد هم‌افزای رانت‌خواری

مداقه جرم‌شناختی در رانت‌خواری نمودار این حقیقت است که رفتار رانت‌جویانه و جریان رانت‌خواری، پیوستگی آشکاری با ارتکاب سایر جرائم اعم از جرائم اقتصادی و غیر آن، برقرار می‌نماید. تشکیل این پیوستار با توجه به اقداماتی که با هدف ایجاد رانت و تسهیل رانت‌خواری و یا به عنوان عواقب رانت‌خواری، صورت می‌گیرند، قابل فهم است، اگرچه عمده مفاسد و جرائم برخاسته از رانت‌خواری یا وابسته به رانت‌جویی همچون تحصیل مال نامشروع، رشوه و پولشویی در قلمرو جرائم اقتصادی قرار می‌گیرند، لیکن در این معنا جرائم دیگری نیز مثل جعل اسناد و سرقت اطلاعاتی و افشای اسرار، در رابطه با رانت‌خواری قابلیت وقوع می‌یابند.

با تدقیق در مصادیق جرم اقتصادی و بذل عنایت به تعاریف صورت‌گرفته از رانت، تردیدی نیست که پاره‌ای از رابطه‌های رانتهی اعم از رانت‌دهی و رانت‌ستانی، تحت عناوین جرائم معنونه اقتصادی در قوانین پراکنده، همچون اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، جرائم برگزاری مناقصات دولتی، مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری، تبانی در معاملات دولتی، اخذ پورسانت در معاملات خارجی، تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت و تصرف غیر قانونی در اموال عمومی یا دولتی، قرار می‌گیرند.

با وجود این، بحثی که تحت عنوان هم‌افزایی رانت‌خواری و جرائم جانبی در این قسمت، مورد لحاظ قرار می‌گیرد، فارغ از بیان مصادیقی است که فی‌نفسه منطبق بر تعریف رانت‌خواری می‌شوند، بلکه بیشتر جرائمی مد نظر است که جهت تسهیل رانت‌خواری یا به دنبال رانت‌خواری

1- Deacon RT, Rode A. Rent seeking and the resource curse. Incompanion to the political economy of rent seeking 2015 Mar 27. No Place: Edward Elgar Publishing; 2015.

2 - Mehmood A. Effects of Rent Seeking and its three form (Corruption, Bribery and Lobbying) on Entrepreneurship (A Descriptive Study on Pakistan). Master Thesis. Washington: Umeå School of Business and Economics. Spring semester; 2013. p.76-77.

ارتکاب می‌یابند و یا اینکه وابستگی مؤثری با رانت‌خواری برقرار می‌نمایند، بی‌آنکه به لحاظ فنی خود رانت‌خواری باشند. در بررسی آثار جرم‌شناختی از این منظر، برای مثال گرفتن امتیاز یک وام کلان یا انحصار وارد نمودن کالایی اساسی، به دلیل انطباق کامل با مفهوم رانت‌خواری مد نظر نیست، بلکه رشوه دهی و رشوه ستانی، تبانی، اعمال نفوذ مقام دولتی برخلاف حق و پولشویی منافع رانتی است که حسب مورد می‌توانند در فرایند رانت‌خواری ارتکاب یابند و از این حیث واجد اهمیت بررسی می‌باشند. (گرگین اکبرآبادی، نجفی توانا، ناجی زواره، شامبیاتی، ۱۴۰۰، ص ۷)

۸-۱- تحصیل مال از طریق نامشروع

تحصیل مال نامشروع یا به عبارت صحیح‌تر تحصیل مال از طریق نامشروع، به دست آوردن منفعت مالی و اقتصادی از طرق غیر قانونی است. بنابراین در اینجا، موضوع اصلی نامشروع بودن مال نیست، بلکه نامشروع بودن طریق تصاحب مال است، در بند «پ» ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی نیز قانونگذار از عبارت «اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری» استفاده می‌نماید. در واقع اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، به عنوان طریق نامشروعی است که در صورت تحصیل مال، یک جرم اقتصادی به حساب می‌آید. با این حال جرم تحصیل مال نامشروع، به لحاظ شمولیت با بسیاری از جرائم دیگر امکان برقراری همپوشانی را خواهد داشت. در بند «ج» قانون ارتقای سلامت نظام اداری نیز از عنوان مجرمانه «تحصیل مال نامشروع» موضوع ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ نام برده شده است.

فارغ از اختلافاتی که از مناظر گوناگون در معنای این عنوان وجود دارد، باید پذیرفت که رانت‌خواری، ضمن اینکه می‌تواند فی‌نفسه تحصیل مال از طریق نامشروع به حساب آید، در مواردی نیز به واسطه اخذ امتیازها و انحصارهای مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، آموزشی و... امکان دریافت منافع مالی را فراهم می‌آورد که با توجه به غیر شرعی و غیر قانونی بودن این فرصت، می‌توان تحصیل مال مزبور را از طریق نامشروع دانست. در واقع با روی آوردن منابع، امکانات و استعداد نیروهای انسانی به سمت رانت‌جویی و ویژه خواری، تبعاً تحصیل مال از طریق نامشروع در ابعاد مختلف نیز گسترش خواهد یافت.

۸-۲- احتکار

در بند «الف» ماده یک قانون تشدید مجازات محتکران و گرانفروشان مصوب ۱۳۶۷ و نیز در ماده ۳ این قانون به تعریف و جرم‌انگاری احتکار، اهتمام شده است. همچنین در بند «ب» ماده یک قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹، به اخلاص در امر

توزیع مایحتاج عمومی از طریق اختکار عمده ارزاق و نیازمندی‌ها و پیش‌خرید فراوان تولیدات کشاورزی و سایر تولیدات مورد نیاز عامه و امثال آنها به منظور ایجاد انحصار یا کمبود در عرضه، اشاره شده است. به طور کلی برای اینکه اختکار جرم تلقی شود، نه تنها می‌بایست سوء نیت عام مرتکب که دلالت به ارتکاب عمل جمع‌آوری و نگهداری ارزاق مورد نیاز و ضروری عامه مردم به منظور نفع شخصی و به قصد افزایش قیمت است، تحقق یابد، بلکه می‌بایست سوء نیت خاص او که همانا ایجاد انحصار یا کمبود در عرضه آنها به جهت اخلاص در امر مایحتاج عمومی جامعه است نیز محقق شود.^۱

اختکار می‌تواند در نتیجه رانت‌خواری اطلاعاتی صورت گیرد، به طوری که محتکر، پس از رانت‌جویی اطلاعاتی و کسب آگاهی از وضعیت تنظیم بازار با توجه به سیاست‌های پیش روی اقتصادی از جمله در زمینه واردات و صادرات، به انباشت کالای مورد نظر که در زمره مایحتاج عمومی و نیازمندی جامعه است، پرداخته و در موقع افزایش قیمت آن را با سودی دو چندان یا چند برابر به فروش برساند؛ امری که بسته به وسعت و تعدد عمل، آسیب‌های شدیدی بر پیکر اقتصاد کشور وارد می‌آورد. همچنین ممکن است نفس ایجاد کمبود در بازار با استفاده از لابی‌ها و اقدامات قانونی و با هدف اولیه ایجاد زمینه رانتی و متعاقباً اعمال اختکار برای کسب سود حلقه‌ای مخصوص از وابستگان و منتفدین و یا حتی مقامات اجرایی باشد، به طوری که در یک پیوستار مافیائگونه ممکن است منافع گروهی خاص اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی در قلمرو حقوق عمومی و خصوصی، در جریان تبانی و اقدامات لابی‌گرایانه و در کنار آن اختکار و ایجاد محدودیت در بازار، در بسته‌های مختلف رشوه، پورسانت، و عواید مستقیم حاصل از رانت در سببی از اموال نامشروع، تأمین گردد.

۸-۳- اختلاس و کلاهبرداری

در تبصره ماده ۳۶ و ماده ۱۰۹ از قانون مجازات اسلامی، اختلاس و کلاهبرداری به عنوان جرم اقتصادی معرفی شده‌اند؛ عنصر قانونی این جرائم، در قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۵ آذر ۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، انعکاس یافته است. با توجه به ماده یک این قانون، کلاهبرداری را می‌توان به طور کلی بردن مال دیگری از طریق حیله‌گری و تشبث به وسایل متقلبانه دانست. همچنین در ماده ۵ همین قانون در مقام جرم انگاری اختلاس، برداشت و تصاحب اموال از سوی مأمورین دولتی و عمومی (اعم از رسمی و غیر رسمی) برای خود و یا دیگری، اختلاس دانسته شده است.

1 - Shambiati H. Exclusive Criminal Law. Tehran: Majd Publications, Zhoubin; 2006. Vol.3 p.279. [Persian]

به نظر می‌رسد فضای مستعد رانت‌خواری که معمولاً با فساد در بدنه دولت و در نزد مدیران و مأمورین خدمات عمومی و یا وابسته، مهیا می‌شود عملاً شرایط را برای ارتکاب جرائمی چون اختلاس و کلاهبرداری، فراهم می‌آورد. توضیح اینکه سوء استفاده از رانت و جایگاه و اقتدار عمومی، مقدمه و یا کمک کننده ارتکاب جرائمی چون اختلاس به شمار می‌رود. بدیهی است که می‌توان انتظار داشت شخصی که بدون تعهد و تخصص لازم به موقعیتی رانتی دست یافته است، برای افزایش ثروت خود یا دیگران به اختلاس و یا کلاهبرداری و یا تدلیس - از جمله مصداق ماده ۵۹۹ قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم بخش تعزیرات - نیز روی آورد. برای مثال دریافت کننده تسهیلات کلان بانکی، ابایی از سندسازی و سیاهنمایی و عدم بازپرداخت اقساط و نتیجتاً مصادره اموال دولتی به نفع خود ندارد، البته گاهی هم برای نفوذ در مقامات و دسترسی به رانت‌ها و منابع ثروت، افراد مرتکب اعمال متقلبانه و فریبکاری می‌شوند. به گونه‌ای که امکان دارد شخصی حقیقی یا حقوقی با قلب حقیقت و جعل مدارک و یا طرح تشکیلات صوری، در مقامات رسمی نفوذ کرده و ضمن پرداخت رشوه، به یک امتیاز یا انحصار ناروا دست یابد.

۸-۴ تهمت و افترا

در بادی امر ممکن است رابطه مستقیم رانت‌خواری با افزایش تهمت و افترا در محاق تردید قرار گیرد، علیهذا این استنتاج بر پایه مشاهده میدانی در فضایی است که رانت‌خواری در آن گسترش یافته است. ابتدا باید خاطر نشان کرد که مقصود از افترا، مطلق تهمت نیست، بلکه ایراد اتهام فساد مالی و رانت‌خواری به دیگران مد نظر است. غده رانت‌خواری که خصوصاً در دو دهه اخیر پر التهاب شده و با گسترش رسانه‌ها وخامت آن انعکاس داده شده است، یک حقیقت غیر قابل انکار است، اما از سویی دیگر، می‌بینیم دیرزمانی است که از این حربه در دعوای جناحی و رقابت‌های انتخاباتی برای کوفتن بر سر رقبا استفاده شده و هم‌زمان جوی متشنج، آکنده از بی‌اخلاقی‌ها و مشحون از اتهامها و افتراها به دیگران بدون تمیز اهمیت اثبات گفته‌ها و رسیدگی در دادگاه صالح و صرفاً برای تخطئه مخالفان ایجاد شده است. در واقع واژه رانت و رانت‌خوار در سالهای اخیر به طور چشم‌گیری از سوی خواص و عموم مردم، در تریبونها و رسانه‌ها و فضاهای مجازی، برای انگ‌زدن به دیگران به خصوص مسؤولین و وابستگان آنها به کار رفته است بدون آنکه گوینده متوجه ماهیت حقوقی انتساب خود باشد، حال، اگرچه رانت معنایی دو پهلو دارد، لیکن اراده معنای مفسدانه آن و نسبت‌دادن رانت‌خواری به دیگران، خصوصاً اگر مشمول عنوان مجرمانه‌ای در قانون باشد، محققاً مصداق افترا خواهد بود. مؤید این کلام، مواد ۶۹۷ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) است. (گرگین آبادی، توانا، ناجی زواره، شامبیاتی، ۱۴۰۰، ص ۱۴)

۹- تأثیرات و پیامدهای ساختاری رانت خواری

تأثیرات رانت در یک جامعه را از سه جنبه می‌توان مورد بررسی قرار داد:

۹-۱- ساخت دولت

۱- افزایش استقلال دولت از جامعه: ماهیت دولت رانتیر به‌گونه‌ای است که در آن جامعه وزنه‌ی قابل‌اعتنایی به‌شمار نمی‌رود چرا که دولت در سایه‌ی دریافت رانت‌ها از خارج (نفت یا هر ماده‌ی خام دیگر) دیگر به منابع داخلی درآمد (مالیات‌ها، عوارض و صدور کالاهای صنعتی و...) احساس نیاز نمی‌کند. این استقلال دولت آثار بزرگی را در جامعه بر جا می‌گذارد که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲- بی‌نیازی دولت از ایجاد دموکراسی و مانع گذاشتن در مسیر توسعه‌ی سیاسی: یکی از پیامدهای مهم استقلال به نوبه‌ی خود باعث می‌شود دولت قدرت انحصاری کسب کند و نیازی به دخالت دادن گروه‌ها و طبقات مختلف در قدرت نبیند. وابستگی زیاد یک دولت به رانت باعث کاسته شدن فشار مالی دولت بر جامعه می‌شود؛ زیرا دولت هیچ‌گونه مالیاتی از جامعه دریافت نمی‌کند و یا اگر مالیات اخذ می‌کند مقدار آن ناچیز است. در چنین شرایطی دولت به‌علت عدم دریافت مالیات از جامعه، نیازی به اعطای دموکراسی نمی‌بیند. با تمرکز قدرت در دست دولت، امکان توسعه‌ی سیاسی و باز شدن فضای رقابت میان گروه‌های اجتماعی بر سر کسب قدرت و نهایتاً توسعه‌ی سیاسی و استقرار دموکراسی از جامعه سلب می‌شود.

همچنین در شرایطی که منابع عمده‌ی قدرت در دست دولت متمرکز می‌شود و گروه‌های اجتماعی عملاً از توان لازم برای ایجاد چالش در مقابل دولت برخوردار نیستند، ساز و کار نظارت اجتماعی از جانب جامعه و پاسخگویی از جانب دولت مختل می‌شود؛ در چنین فضایی امکان استقرار نهادها و رویه‌های دموکراتیک در زمینه‌ی اداره‌ی امور فراهم نخواهد شد. (میرترابی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۷)

۳- تضعیف توان استخراجی و باز توزیعی دولت: در ادبیات سیاسی به‌ویژه در چارچوب نظریات مبتنی بر کارکردگرایی، نظام سیاسی به‌عنوان یکی از خرده نظام‌های اجتماعی کارویژه‌های خاصی را بر عهده دارد که از جمله آنها، کارویژه‌ی استخراج منابع از داخل جامعه و توزیع مجدد آنهاست. بحث استخراج، هم منابع مادی همچون مالیات و هم منابع انسانی همچون به کارگیری مهارت‌ها و توانایی‌های گروه‌های اجتماعی را مدنظر قرار می‌دهد. بر اساس این تحلیل، یکی از معیارهای عمده‌ی سنجش میزان کارایی یک نظام سیاسی، بررسی توان استخراجی و توزیع مجدد منابع در داخل جامعه است. [دولت‌های رانتیر نه تنها در زمینه‌ی توان پاسخگویی به جامعه ضعیف هستند بلکه در خصوص استخراج و باز توزیع صحیح منابع در داخل

نیز ناکارآمدند. این ضعف در عرصه سیاسی، رویه‌های دموکراتیک اداره امور را مختل می‌کند. در عرصه اجتماعی به نابرابری‌های اجتماعی دامن می‌زند و در عرصه اقتصادی نیز سبب پی‌گیری سیاست‌های اقتصادی غیرکارآمد توسط دولت خواهد شد.

۴- تبدیل شدن دولت به توزیع کننده رانت: دولت در چنین حالتی، اساسی‌ترین نقش را در توزیع ثروت در میان مردم ایفا می‌کند. این دولت همان دولت تخصیصی است که نظریه پردازان به علت اهمیت ویژگی توزیعی این گونه دولت‌ها به آنها دولت‌های تخصیصی می‌گویند و آن‌را در مقابل دولت‌های تولیدی قرار می‌دهند. در چنین حالتی کل نظام سیاسی و اجتماعی به میزان و چگونگی تخصیص هزینه‌های دولت وابستگی پیدا می‌کنند.

۹-۲- اقتصاد رانتی

۱- **رشد روحیه رانتیری در اقتصاد و جامعه:** غالب نظریه پردازان اعتقاد دارند که در شرایط وجود امکان کسب درآمد از طریق رانت، استعدادهای جامعه به جای نوآوری و خلاقیت و فعالیت مولد به سوی کسب درآمدهای آسان جذب شده و این امر سبب تخصیص استعدادهای کشور از فعالیت‌های مفید به فعالیت‌های مربوط به جستجو و کسب رانت می‌شود. در این شرایط، به علت صرف استعدادهای کشور در کارهای غیر تولیدی از رشد واقعی محروم خواهد شد. (طیبیان، ۱۳۷۱، ص ۱۴۷)

ویژگی عمده روحیه رانتیری این است که در این حال، دیگر کار و کوشش علت ثروتمند شدن نیست بلکه شانس و تصادف است که ثروت می‌افزاید. به عبارت دیگر، در چنین وضعیتی درآمدهای افراد بستگی به کار و فعالیت تولیدی ندارد، بلکه بیشتر به شانس و موقعیت آنها در ساختار بوروکراسی دولتی بستگی دارد. (شکاری، ۱۳۷۹، ص ۳۴)

۲- **اقتصاد مصرفی:** دولتی که به مقدار وسیع از رانت برخوردار می‌شود، اقدام به واردات عظیم کالاهای مصرفی و تجملی می‌نماید. ویژگی بارز اقتصاد این نوع جوامع، مصرف زیاد کالاها در قبال تولید کم در جامعه است. چون یکی از مهمترین اهرم‌های حفظ مشروعیت دولت تأمین نیازهای مادی جامعه می‌باشد، بر واردات کالاهای مصرفی تأکید فراوانی می‌کند. در چنین شرایطی چون از طرف دولت، تأکیدی برای گسترش صنایع و توسعه صنعتی وجود ندارد، جامعه به صورت مصرف کننده کالاهای و خدمات در می‌آید و فعالیت‌ها اساساً غیر مولد و غیر اقتصادی‌اند و بخشی از سرمایه‌های جامعه نیز در مسیرهای غلط به هدر خواهد رفت. (خضری، ۱۳۸۱، ص ۱۳)

۳- **گسترش بخش عمومی اقتصاد:** دولت رانت‌هایی را که دریافت می‌کند، در اقتصاد داخلی هزینه می‌کند و در حقیقت به عنوان سرمایه‌گذاری‌های کلان در اقتصاد داخلی، با ارائه‌ی

خدمات رایگان یا ارزان قیمت باعث افزایش هزینه‌های دولتی می‌گردد. در این حالت دولت در اقتصاد دارای یک نقش اساسی در حرکت چرخ‌های اقتصادی می‌باشد.

۴- اخلال در برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی: دولت رانتیر به‌طور انحصاری رانت را دریافت و آنرا هزینه می‌کند. همین امر سبب می‌شود دولت بدون مشورت با گروه‌های اجتماعی و بدون در نظر گرفتن مسائلی همچون کارایی و بازدهی اقتصادی، برنامه‌های خود را به اجرا در آورد. در چنین فضایی دولت‌های رانتیر بر اساس تجربه‌ی تاریخی، به سیاست‌های مبتنی بر جایگزینی واردات روی می‌آورند. در نتیجه گسترش صنایع با هدف افزایش تولیدات داخلی و کاهش واردات مدنظر قرار می‌گیرد. اما مشکل اینجاست که معمولاً صنایعی که در چنین شرایطی پدید می‌آیند، از کارایی و انعطاف‌پذیری لازم برخوردار نیستند و به سبب پایین بودن کیفیت محصولات این صنایع، تولیدات آنها تنها در بازار داخلی قابل فروش است. همچنین دولت‌های رانتیر به‌طور عمده به توسعه‌ی تولیدات کشاورزی بی‌توجهی و در عوض سعی می‌کنند نیازهای این بخش را از طریق واردات تأمین کنند. نتیجه‌ی نهایی چنین سیاست‌هایی تضعیف بخش کشاورزی و پایه‌گذاری صنایع ناکارآمد است. (میرترابی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۱)

۹-۳- تأثیرات آن بر اجتماع

تضعیف گروه‌های اجتماعی: همایون کاتوزیان اعتقاد دارد که در یک دولت رانتیر برخوردار از رانت، سه گروه اجتماعی عمده را می‌توان از هم تشخیص داد:

الف: گروه‌های تحت‌الحمايگان دولت که بزرگ‌ترین منافع و مزایا را از رانت دریافت می‌کنند.

ب: توده‌ی جمعیت شهری که این گروه هم از آثار افزایش هزینه‌های دولتی بر اقتصاد داخلی نفع بسیار می‌برند.

ج: جمعیت روستایی که این گروه کم‌ترین میزان دریافت را از رانت‌ها دارا می‌باشند. (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۹۵)

بحث وضعیت گروه‌ها و طبقات اجتماعی در یک دولت رانتیر بستگی زیادی به استقلال دولت از جامعه و کسب درآمدهای کلان رانتي توسط دولت دارد. استقلال دولت از جامعه، آنرا در خارج از نفوذ گروه‌های اجتماعی قرار می‌دهد. در این حالت، بخش خصوصی اقتصاد داخلی از طریق هزینه کردن درآمدهای رانتي توسط دولت به آن وابسته می‌شود. به این ترتیب دولت به تنها سرچشمه‌ی قدرت اقتصادی و اجتماعی تبدیل می‌شود. بنابراین در یک دولت رانتیر، گروه‌ها و طبقات اجتماعی به دلیل فقدان یا ضعف منابع مستقل از دولت، به دولت وابسته می‌گردند و در چنین شرایطی نمی‌توانند با دولت به چالش بپردازند. (شکاری، ۱۳۷۹، ص ۳۵)

۱۰- راهکارهایی برای برون رفت از اقتصاد و سیاست رانتی

- ۱- اتخاذ روش‌هایی جزنفت برای تأمین بودجه: باتوجه به کمیابی منابعی مثل نفت، حکومت‌ها باید به دنبال راه دیگری برای تأمین بودجه باشند (نصری، ۱۳۸۰، صص ۲۰۱-۲۰۰) طی چهاردهه اخیر فروش دارایی‌هایی مانند نفت و گاز حدود ۵۵۰ میلیارد دلار درآمد برای کشور رقم زده درحالی‌که توسعه‌ای رابرای کشور به دلیل صرف شدن روی هزینه‌های جاری به جای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد، رقم نزده است. (میرترابی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۷)
- ۲- کوچک کردن دولت: پدیده رانت جویی اصولاً با مداخلات دولت در اقتصاد مقارن است. دخالت بیش از حد دولت در فعالیت‌های اقتصادی در بازار رقابت اختلال ایجاد می‌کند و زمینه را برای گسترش فعالیت‌های فرصت طلبانه فراهم می‌سازد. در حالی که وظیفه اصلی و اولیه هر دولتی باید تأمین امنیت و ارائه کالاها و خدمات عمومی باشد.
- ۳- نهادینه‌سازی مالیات: باید نظام وصول کننده مالیات را اصلاح نمود و ضرورت توسعه اجتماعی را اجابت کرد در عین تأکید بر اینکه نهادینه‌سازی مالیات پردازی برای جبران بخشی از عایدات دولت، امری حساب شده، تدریجی و بلند مدت است. (نصری، ۱۳۸۰، صص ۲۰۱-۲۰۰)

نتیجه‌گیری

پدیده رانت و رانت‌خواری به عنوان یکی از جلوه‌های فساد مفهومی نیست که برای جوامع تازگی داشته باشد و اصل وجودی آن از زمان تشکیل جوامع وجود داشته است؛ اما اشکال و گونه‌های آن در طول زمان دچار تغییر و تحولاتی شده است. این مفاهیم با مظاهری که دارد باعث می‌شود شخص بهره‌بردار از این امتیاز مزایایی خاص را بدون تلاشی خاص و صرفاً با بهره‌گیری از مواهبی به دست آورد که این امر در کشورهای درحال توسعه مخصوصاً کشورهایی که متکی به اقتصادهایی عمدتاً تک محصولی هستند، نمود بیشتری دارد.

در نظام جمهوری اسلامی ایران با آنکه یکی از وعده‌های انقلاب ۱۳۵۷ برخورد با فساد بوده است، اما در عمل این امر از موفقیت چشمگیری برخوردار نبوده است. علل این کار را به طور خلاصه باید در برخورد سنتی با موضوعی در حال تحول جست‌وجو کرد. شیوه‌هایی که تا کنون مورد استفاده قرار گرفته است، هرکدام به دلایلی مانع تحقق آرمان مبارزه با فساد شده‌اند و بایستی شیوه‌هایی را به کار برد تا بتوان با افزایش نظارت عمومی و تخصصی و همچنین بهره‌گیری از ابزارهای نوین مثل پدیده سوت‌زنی روز به روز بر مطالبه‌گری از مسئولان افزود. نخستین گام در مبارزه با پدیده رانت شناسایی و جرم‌انگاری آن است. بدون قوانین مدون قوی و ضمانت اجرای موثر و کافی و همچنین حمایت از افشاگران رانت، نباید چشم‌امیدی به مبارزه با این مفهوم داشت. همچنین در این برخورد بایستی علاوه بر نظارت و تعادلی که بین قوای مختلف سیاسی انجام می‌گیرد، از ظرفیت نهادها و موسسات غیردولتی و مردم‌نهاد متخصص در این حوزه نیز بهره برد؛ چرا که این موسسات به دور از وابستگی‌های تشکیلاتی به جناحی خاص، در پی انجام وظیفه ذاتی خویش بوده و با ایجاد ارتباط بهتر بین مردم و دولت مانع بهره‌جویی‌های ناعادلانه و غیرمنصفانه از منابع عمومی می‌شوند.

فهرست منابع

- ۱- ابن اثیر، مبارک بن محمد، (بی‌تا)، النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم.
- ۲- بی‌تا، (۱۳۸۲)، فساد مالی و اقتصادی و ریشه‌ها و پیامدها، تدبیر اقتصاد، جلد ۲، تهران.
- ۳- خضری، محمد، (۱۳۸۱)، رانت رانت‌جویی هزینه‌های اجتماعی، گزارش تحقیقاتی پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، شماره‌ی ۸۱، تهران.
- ۴- درویش نوری کالکی، نسرین، وزیر، مجید، یارم طاقلوسهرابی، مریم، (۱۳۹۵)، بررسی ماهیت پدیده رانت‌خواری در حقوق و مذاهب اسلامی، چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، سن پترزبورگ، روسیه.
- ۵- شکاری، عبدالقیوم، (۱۳۷۹)، نظریه دولت تحصیلدار و انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران.
- ۶- شیخ الاسلامی، محمدعلی، قبولی درافشان، سید محمدتقی، فخرعلی، محمد تقی، (۱۴۰۲)، بررسی فقهی نقش رشوه در تحقق جرم رانت‌خواری از منظر فقه امامیه، نشریه فقه و اصول، سال پنجاه و پنجم، شماره ۱، تهران.
- ۷- طبیان، محمد، (۱۳۷۱)، رانت اقتصادی به عنوان یک مانع اقتصادی، برنامه و توسعه شماره ۴، تهران.
- ۸- طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۴۱۶)، مجمع البحرین، کتابفروشی مرتضوی، تهران.
- ۹- طوسی، رضا، (۱۳۶۳)، نفت و بحران انرژی، انتشارات کیهان، تهران.
- ۱۰- طرح درهم آمیزی صنعت نفت و اقتصاد ملی، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی (۱۳۷۶).
- ۱۱- فضلی نژاد، سیف‌الله، احمدیان، مرتضی، (۱۳۸۹)، اقتصاد رانتی در ایران و راههای برون رفت از آن، مجله اقتصادی-ماهنامه بررسی مسائل و سیاستهای اقتصادی، شماره‌های ۱۱ و ۱۲، تهران.
- ۱۲- کاتوزیان، همایون، (۱۳۷۴)، اقتصاد سیاسی کشورهای صادرکننده نفت، ترجمه‌ی علی‌رضا طیب، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۹۵ و ۹۶، تهران.
- ۱۳- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، (۱۴۰۳)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
- ۱۴- میرترابی، سعید، (۱۳۸۴)، مسائل نفت ایران، انتشارات قومس، چاپ اول، تهران.
- ۱۵- نصری، قدیر، (۱۳۸۰)، نفت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، پژوهشکده مطالعات

راهبردی، تهران.

- 16- Afzali A. (2011); Corruption and its impact on development: Causes, consequences and solutions. *International Law Journal*. 28(45): 235-264. [Persian].
- 17- Darvishi F. (2009); Islamic Revolution and Political Rent. *Social Sciences Quarterly*. 3(42-43): 327-362. [Persian]
- 18- Deacon RT, Rode A. (2015) Rent seeking and the resource curse. *Incompanion to the political economy of rent seeking 2015 Mar 27*. No Place: Edward Elgar Publishing;.
- 19- Fazlinejad S, Ahmadian M. (2010); Rent Economy in Iran and ways to get out of it. *Economic Journal-Review of Economic Issues and Policies*. 10(11-12).
- 20-Keddie, D. Nikki (1989), "Oil Economic Policy and Social Conflict in Afshar,Haleh Iran: A Revolution in Tarmoil", London: Macmillan Press.
- 21- Koleini MIY. Al-Kaafi. 1st ed. Qom: Dar al-Hadith; 2008. Vol.2.
- 22- Mehmood A. (2013) Effects of Rent Seeking and its three form (Corruption, Bribery and Lobbying) on Entrepreneurship (A Descriptive Study on Pakistan). Master Thesis. Washington: Umeå School of Business and Economics. Spring semester;.
- 23-Mohaghegh MJ. (2010). Study of Economic Corruption from the Perspective of Islam. *Proceedings of the Conference on Promoting Administrative Health*. Coordination Council of Supervisory Bodies. Tehran: Zaman Now Publications; p.11. [Persian].
- 24-Motahari M. (1989). A Theory of the Islamic Economic System. 1st ed. Tehran: Sadra Publications; p.21. [Persian].
- 25-Rafiepour F. (1994). *Development and Conflict*. Second Edition. Tehran: Shahid Beheshti University Press; p.170. [Persian].
- 26-Shambiati H. (2006). *Exclusive Criminal Law*. Tehran: Majd Publications, Zhubin; Vol.3 p.279. [Persian]